

# بررسی و تحلیل نقش کانون‌های جرم خیز در وقوع جرایم شهری

محمد باقر قالیباف

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

سلمان انصاری زاده

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

فریاد پرهیز

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان

## چکیده

شهری بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، مطالعه مشخصات کالبدی، خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکانها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری بیش از پیش اهمیت یافته تا بدین وسیله امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاریهای شهری فراهم آید. همچنین برخی مشخصات کالبدی و اجتماعی در وقوع جرم مؤثر است و می‌توان با تغییر ساختار فضا اعم از نحوه نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمانها و شهرسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر، همچنین حضور و نظارت پلیس و به کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین نظارتی در مقاطع زمانی خاصی بر یک مکان ویژه، از وقوع بزهکاری پیشگیری کرد.

شناسایی مناسب ترین اقدامها و سیاست‌های لازم برای جلوگیری از جرم در مناطق جرم خیز، منوط به دیدگاه‌هایی است که برای تبیین جرم مورد استفاده قرار گرفته اند. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های جرم شناختی بر روی اقدامهایی متمرکز شده اند که معتقد به ایجاد نتایج فوری در مدیریت سطوح جرم هستند. این اقدامها به طور کلی مربوط به نظریه‌های جرم می‌باشند و بر روی عوامل مکانی و محیطی ویژه ای متمرکز شده‌اند که جرم و جنایت در آنها رخ می‌دهد. در این میان خصیصه‌های جمعیت شناختی و اجتماعی-اقتصادی در مورد مکانی که بزهکاران و مجرمان در آن زندگی می‌کنند، یکی از عناصر اصلی اکولوژی (محیط شناسی) جرم می‌باشد. دیگر عنصر اکولوژی جرم مشتمل بر مکانی است که بزه در آن اتفاق می‌افتد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با تاکید بر نظریه‌های جرایم شهری، درمان‌های مختلف شهر، نظریه‌های پیشگیری از وقوع جرم و نظریه کانون‌های جرم خیز تلاش دارد به مطالعه نقش کانون‌های جرم خیز در وقوع جرایم

## مقدمه

ایالت متحده آمریکا، بیش از ۳۳ میلیون جرم مرتکب شدند و این مسئله (به تقریب) موجب ۱۵ میلیون دلار خسارت اقتصادی به قربانیان و ۱۷۹ میلیون دلار به حکومت از طریق پرداخت هزینه به پلیس برای حفاظت از عموم شد. بنابراین برنامه‌هایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم از وقوع جرم و جنایت جلوگیری به عمل می‌آورند، موجب پدید آمدن مزیت‌های اقتصادی بسیار زیادی از طریق کاهش هزینه‌های مربوط به جرم می‌شوند که بر قربانیان، اجتماع و سیستم قضایی جنایی تحمیل می‌شود (9: Mc Collster et al. 2010). هنوز جرم به عنوان یکی از مسایل شایع در جامعه شهری فراصنعتی باقی مانده است و کثرت نظریه‌ها و تبیین‌ها در این رابطه وجود دارد. سازمان مرکز داده‌ها، هزینه کلی سیستم عدالت جنایی<sup>۷</sup> را در سال ۱۹۹۷ معادل ۱۲/۶ میلیون دلار برآورد کرده، میانگین جمعیت زندانی را بیش از ۶۱ هزار نفر (با هزینه ۱/۷۴۰ میلیون دلار) و میزان مجرمان حرفه ای را ۵۸ درصد اعلام کرده است (Home Office, 2000). از سال ۱۹۱۸ جرم با میانگین سالانه ۵/۱ درصد افزایش یافته؛ به طوری که در سال ۱۹۹۷ به ۴/۵ میلیون نفر رسیده است (Home Office, 1999). مطالعه رابطه مکان و بزهکاری به شیوه نوین علمی در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی و با بهره‌گیری از نظریه "اکولوژی اجتماعی"<sup>۸</sup> آغاز شد. "کنله"<sup>۹</sup> و "گری"<sup>۱۰</sup> از پیشروان این تفکر بودند. سپس این اندیشه به وسیله دیگر اندیشمندان پیرو مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو همچون "شاو"<sup>۱۱</sup> و "مک کی"<sup>۱۲</sup> در اوایل قرن بیستم میلادی دنبال شد. اما از چند دهه قبل به ویژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد توجه و علاقه فزاینده‌ای نسبت به مطالعه نقش محیط در بزهکاری و در نقطه مقابل تأثیر شرایط محیطی در پیشگیری جرم شکل گرفت. "جاکوبز"<sup>۱۳</sup> از جمله پیشگامان این ایده بود. وی در اثر معروف خود با عنوان "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا"<sup>۱۴</sup> که در سال ۱۹۶۱ انتشار یافت، به مطالعه نوع



شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، رشد بسیار سریع و سرسام آوری دارد. به طوری که سهم جمعیت شهرهای ۱۰۰ هزار نفری کشورهای در حال توسعه، بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ به میزان ۸۳ درصد افزایش یافته است. در حالی که این رقم در کشورهای توسعه یافته ۳۵ درصد بوده است. همچنین سهم جمعیت شهرهای یک میلیونی یا بیشتر در کشورهای در حال توسعه به میزان ۱۳۶ درصد افزایش یافته است. اما در سویی دیگر، این رقم در کشورهای توسعه یافته ۴۷ درصد بوده است. بر همین مبنا، شهرهای کشورهای در حال توسعه با مسایل و مشکلات بیشتری نظیر افزایش نرخ بیکاری، شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی، مسکن غیررسمی، خشونت، ناهنجاری‌های اجتماعی، بزهکاری و جرم و جنایت روبرو شده‌اند. اگر چه در کشورهای توسعه یافته میزان جرایم شهری رقم بالایی را نشان می‌دهد اما این امر در کشورهای در حال توسعه، رشد بالاتری داشته است. به طور مثال، مناطق شهری آمریکا از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ با اقدام‌های مستمر خشونت آمیز نظیر دزدی، جیب‌بری، قتل و باندهای تبهکاران به شدت تهدید می‌شد. در دهه ۱۹۹۰ نیویورک، لس‌آنجلس، شیکاگو، هوستون، فیلادلفیا<sup>۱۵</sup> و دیترویت<sup>۱۶</sup> بیش از ۵۰۰ قتل داشتند. برای نمونه شهر نیویورک ۲۲۴۵، لس‌آنجلس ۹۸۳، شیکاگو ۸۵۱ و هوستون ۵۶۸ قتل داشتند. با این وجود، سرانه جرایم در شهرهایی نظیر دالاس<sup>۱۷</sup>، سیاتل، دیترویت و سان آنتونیو<sup>۱۸</sup> دارای بالاترین میزان بود. از طرفی در بسیاری از مناطق شهری جرایم به طور همسان و یکنواخت پخش نشده‌اند بلکه آنها در مکان‌های به خصوصی، به ویژه در فقیرترین بخش‌های شهر اتفاق می‌افتند. بنابراین می‌توان گفت میزان جرایم در شهرها با شدت و ضعف توأمان می‌باشد و گردشگران و ساکنان می‌بایست از وجود این تفاوت اطلاع داشته باشند (Gottinder and Bud, 2005: 179-181).

میزان بالای جرم بسیار مشکل‌زاست؛ چرا که بر توانایی مردم برای استفاده از فضای شهری تأثیر می‌گذارد. فضاهای عمومی نظیر پارک‌ها، میدان‌ها و خیابان‌ها از جمله ویژگی‌های بسیار جذاب زندگی شهری می‌باشند. هنگامی که از این فضاها به دلیل جرم نتوان استفاده کرد، بر جذابیت‌های زندگی به طور منفی تأثیر خواهند گذاشت. امروزه استفاده از بیشتر فضاهای عمومی در مناطق شهری محدود شده است. همچنین جرم و جنایت موجب تحمیل هزینه‌های بسیار گزافی در سطوح فردی، اجتماعی و ملی می‌شود. بزهکاران جنایی در سال ۲۰۰۷ در

### نظریه‌های مکانی جرایم شهری

اولین مطالعات جغرافیای بزهکاری در شهرها به شیوه علمی از نیمه اول قرن نوزدهم و با بهره گیری از اندیشه‌های اکولوژی اجتماعی (کارهای اولیه کتله و گری) شروع و به دست محققان و دانشمندان مکتب اکولوژی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم (شاو و مک کی) ادامه یافت. اما از چند دهه قبل (به خصوص از سال ۱۹۹۰ به بعد)، با رشد شتابان شهرها و افزایش بی رویه جرم و جنایت در آنها، توجه و علاقه زیادی نسبت به بررسی‌های مکانی جرایم شهری شکل گرفت و همین امر موجب شد تا ابزارهای تحلیل فضایی، توسعه یافته و نظریه‌ها و رویکردهای مکانی جدیدی در این زمینه مطرح شود.

### مکتب شیکاگو (بوم شناسی)

بوم شناسی جنایی یا اکولوژی، تاثیر زیستگاه فردی و محیط زیست فرد در رفتار مجرمانه، فرد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زیستگاه مفهوم کلی است که شامل اوضاع و احوال و شرایط خاص محل زندگی فرد می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۵). بنابراین بوم شناسی جنایی، بررسی برهمکنش بین فرد و شرایط محیط زیست او یا تاثیر شرایط محیط زیست او در رفتار وی را بررسی می‌کند. با این مقدمه باید گفت که بوم شناسی جنایی تا اندازه زیادی ریشه در همان تفکر کتله دارد. شاو و مک کی بعد از حدود ۷۰ سال که از مطالعات کتله و گری می‌گذشت، دوباره به مسایل اکولوژی و بوم شناسی پرداختند. این دو با مقایسه میان بوم شناسی (محیط زیست) انسان‌ها و گیاهان نشان دادند، همان گونه که اگر گیاهان از نظر خاک مساعد و فضای کافی در مضیقه باشند، رشد نکرده و پژمرده می‌شوند و در هر حال زندگی غیرعادی را خواهند داشت، نامساعد بودن شرایط محیط زیست در قلمرو انسان‌ها و بوم شناسی انسان‌ها هم ایجاد اختلال می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴: ۵۶). رابرت پارک، بنیان گذار این مکتب، اصولاً تحت تاثیر اندیشه داروین، زیمل و کنش متقابل نمادی قرار داشته است و کوشش کرده تا تشابهی میان محیط طبیعی و محیط اجتماعی برقرار سازد و در واقع او بنیان گذار جامعه شناسی شهری بود. در حقیقت تفکرات مکتب شیکاگو به دو موضوع اصلی توجه دارد: یکی، توزیع فعالیت‌ها در فضا و زمان در محیط شهری چگونه مانع دستیابی به اهداف جمعی می‌شوند و دیگری، این نحوه توزیع چگونه بر وجه اجتماعی افرادی که در معرض آن قرار دارند، تاثیر می‌گذارد (ممتاز، ۱۳۸۵: ۸۱).

طراحی شهرها و تأثیر آن در کاهش بزهکاری و همچنین تأثیر مراقبت‌های طبیعی و معمولی مردم در پیشگیری جرم پرداخت (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۶). درحقیقت، به طور قطع جرم به طور یکسان در سراسر شهر پخش نمی‌شود و عقیده کانون‌های جرم خیز در سالهای اخیر توجه روز افزونی را به خود جلب کرده است (Nasar and Fisher, 1993 and Lupton, 1999). بر همین مبنا هدف این مقاله بررسی و تحلیل نقش کانون‌های جرم خیز در وقوع جرایم شهری خواهد بود و پاسخ به این پرسش که در چه مکان‌هایی دزدی و جرایم بیشتر اتفاق می‌افتد و در چه مکان‌هایی این پدیده کمتر رخ می‌دهد؟

### روش شناسی

متدولوژی (روش شناسی) این مقاله، توصیفی - تحلیلی است. این مقاله با بهره گیری از جدیدترین منابع لاتین و همچنین نظریه‌های رایج و جدیدی که در مورد این موضوع در جهان وجود دارد، به بررسی و تحلیل نقش کانون‌های جرم خیز در وقوع جرایم شهری می‌پردازد. متغیرهای این مقاله مشتمل بر نظریه‌های مکانی جرایم شهری از جمله مکتب شیکاگو، مکتب اثبات گرایی، جرم شناسی محیطی، نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت، نظریه سفر مجرمانه، نظریه پنجره‌های شکسته شده، نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، نظریه فضای قابل دفاع، نظریه انتخاب منطقی، نظریه نابسامانی اجتماعی و جرم، مدل اکولوژیکی - مناسباتی خشونت اجتماع و همچنین نظریه‌های کانون‌های جرم خیز می‌باشد.



## مکتب اثبات گرایی

پایه گذاران مکتب اثبات گرایی (به ویژه در ارتباط با مطالعه جرم و جنایت) آدلف کتله، ریاضی دان بلژیکی و آندره میشل گری، حقوق دان فرانسوی بودند. آنها از آمار که در آغاز قرن نوزدهم در اروپا در زمینه‌های گوناگون مانند جمعیت و تراکم آن، گرایش‌های دینی و میزان ثروت برای تعیین روابط اجتماعی بود، استفاده می کردند. این دو پی بردند که ارقام جنایت در طول سال‌های مختلف در کشورشان ثابت است؛ پس به این نتیجه رسیدند که پدیده‌هایی در ساخت اجتماعی، ارقام جنایت را ثابت نگه می دارند و با یافتن آنها می توان فعالیت را از بین برد. این دو متفکر در واقع بنیان گذار جامعه شناسی انحرافات اجتماعی هستند. اثبات گرایی به دو بعد اصلی توجه داشت:

- ۱- اینکه رفتار انسان کارکرد نیروهای بیرونی است که فراتر از اختیار فرد هستند.
- ۲- نیروهای شخصی و روانی که بر رفتار تاثیر می گذارند (ممتاز، ۱۳۸۵: ۲۷).

## جرم شناسی محیطی

از مطالعات پیشین جغرافیای بزهکاری می توان دریافت که در این بررسی‌ها تأکید بیشتر بر عوامل محیط طبیعی (آب و هوا، باد، دما، کوه، دریا، دشت، عرض جغرافیایی و...) و تأثیر آن بر انسان و رفتار او بوده است؛ در حالی که در تحقیقات کنونی، عوامل مربوطه به محیط انسانی (اجتماعی) و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که انسان را در بر گرفته، بیشتر مورد توجه بوده است. طبق عقیده غالب، جرم قبل از آنکه پدیده ای جبرگرایانه و ناشی از عوامل قطعی و غیرقابل تغییر محیط طبیعی باشد، پدیده ای اجتماعی و متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و مکان جرم می باشد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۵۱). رویکرد جبرگرایانه به محیط طبیعی در تلاش‌های بعضی از محققان معاصر که در صدد دستیابی به همبستگی محیط جغرافیایی و جرم برآمده اند نیز وجود دارد؛ به عنوان نمونه (کتله) و (گری) به کمک آمار به ثبت رابطه بزهکاری و محیط جغرافیایی پرداخته اند. به نظر کتله جرم از ناحیه ی انسان به طور انتزاعی قابل تصور نیست. انسان فرزند محیط است و خواه ناخواه اعمال او از تأثیر محیط دور نیست. او با استفاده از آمار جرایم و بیان نظریه (قانون حرارت) به این نتیجه رسید که اراده آزاد وجود ندارد و اگر یافت شود، قابل لمس نیست (کامران نیا، ۱۳۸۴-۱۳۸۵: ۱۸).

خصیصه‌های جمعیت شناختی و اجتماعی-اقتصادی در مورد مکانی که بزهکاران و مجرمان در آن زندگی می کنند، یکی از عناصر اصلی اکولوژی جرم محسوب می شود. دیگر عنصر اکولوژی جرم مشتمل بر مکانی است که بزه در آن اتفاق می افتد (White, 1932 and Lottier, 1938 and Schmid, 1960). به بیان دیگر جرم شناسی محیطی<sup>۱۴</sup>، مطالعه جرم، جنایت، آزار و اذیت است (Walter, 1972; Damer, 1974)، به گونه ای که علت وقوع آنها در وهله اول مربوط به مکان‌های ویژه و در وهله دوم مربوط به شیوه ای است که اشخاص و سازمان‌ها به فعالیت‌هایشان به وسیله عوامل فضایی یا مکان محور شکل می دهند (Bottoms and Wiles, 1997: 305).

## نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت

مطابق این نظریه، افزایش جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. در سال ۱۹۶۸ انگلز<sup>۱۵</sup> در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات کرد. وی همچنین به افزایش جرم و تراکم فعالیتها در خیابانهای شهر معتقد بود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۰).

## نظریه سفر مجرمانه<sup>۱۶</sup>

یکی از موضوعات مهم دانش جغرافیا، مکان یابی سکونت و فعالیت انسانی در سطح فضا از طریق نظریه‌های مکانی است. به کمک این نظریه‌ها می توان محل استقرار بهینه فعالیتها، افراد و رخدادهای اجتماعی را در یک محدوده جغرافیایی مشخص کرد. مبانی نظری تئوریهای مکانی را می توان در بررسی‌های جغرافیایی جرم مورد استفاده قرار داد. دیدگاه سفر مجرمانه بر پایه مطالعه دو عامل مکان و فاصله سفرهایی که مجرمان برای ارتکاب جرم خود انجام می دهند، استوار است. گرچه اصطلاح سفر مجرمانه را برای اولین بار هریس در سال ۱۹۸۰ به کار برد، اما سابقه این بررسی‌ها به پژوهش وایت<sup>۱۷</sup> در سال ۱۹۳۲ برمی گردد. وی دریافت در سفرهای مجرمانه برای ارتکاب جرایم برضد اموال (مانند سرقت) مسافت دورتری به نسبت سفرهای مجرمانه برضد اشخاص (مثل قتل و ضرب و جرح) طی می شود. تیونر<sup>۱۸</sup> در مطالعه دیگری به این نتیجه رسید که سفرهای مجرمانه با فاصله گرفتن از محل سکونت مجرمان، کاهش می یابد. به عبارت دیگر بین تعداد سفرهای مجرمانه و بعد مسافت از محل زندگی مجرمان رابطه

معکوس مشاهده می‌شود. نکته مهم دیگر اینکه فاصله سفرهای مجرمانه به عواملی چون نوع جرم، شیوه ارتکاب، زمان انجام و حتی (ارزش اموال) در جرایم مالی بستگی دارد (کالنتری، ۱۳۸۰: ۸۲-۸۴).

### نظریه پنجره‌های شکسته<sup>۱۹</sup>

محیط زیست شهری نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد دارد. جرج کیلینگ<sup>۲۰</sup> و جیمز ویلسون<sup>۲۱</sup> در یک مقاله معروف در ماهنامه آتلانتیک در مارس ۱۹۸۲، با عنوان "پنجره‌های شکسته شده: پلیس و امنیت محله‌ها" بر این باورند که غفلت‌های کوچک مقیاس، همچون بر جای گذاشتن یک پنجره شکسته و تعبیه نشده، گویای پیام زوال و بی‌تفاوتی است، که حتی موجب تشویق رفتارهای ضد اجتماعی بسیار زیادی می‌شود و این مسئله سرانجام به جرم و جنایت‌های بزرگ‌تر می‌انجامد

(<http://www.ambiguous.org/robin/word/broken-windows.html>).

این نظریه بر اهمیت حیاتی حفاظت از محیط به عنوان شاخص فیزیکی برای سطوح همبستگی و انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی غیر رسمی تاکید کرده است. پژوهش بعدی کیلینگ و کولس<sup>۲۲</sup> در سال ۱۹۹۶ نیز از این یافته‌ها حمایت کرده است. در این زمینه پژوهشگران مختلفی موضوع نشانه‌های اجتماعی و فیزیکی مربوط به بی‌نزاکتی‌ها و ترس از جرم را مورد پژوهش قرار داده‌اند (Skogan and Maxfield, 1980; Nairtal, 1993; Cozens et al, 2001).

### نظریه پیشگیری جرم با کمک طراحی محیطی<sup>۲۳</sup>

به طور کلی سه نگرش عمده نسبت به پیشگیری از جرم و جنایت در محیط انسان ساخت وجود دارد. نگرش نخست، مشتمل بر "پیشگیری از جرم به وسیله طراحی محیطی" است که بر فرصت‌های جنایی تاکید داشته و می‌توان آنها را از طریق تکنیک‌های برنامه ریزی و معماری کاهش داد و این تکنیک‌ها موجب فراهم کردن زمینه‌ای مشکل و پیچیده برای وقوع جرم و کاهش ترس از آن می‌گردند. نگرش دوم، در برگیرنده "جلوگیری از جرم در مکان‌های ویژه" است. این نگرش به دنبال پرداختن به کاهش جنایت در مکان‌های ویژه از طریق ترکیب راهبردهای فیزیکی و سازمانی پیشگیری از جرم نظیر سیاست گذاری در اجتماع و پیشگیری از جرم در اجتماع می‌باشد. نگرش فوق

مفهوم طراحی را با تغییرات صورت گرفته در مدیریت و استفاده از مکان ترکیب می‌کند. نگرش سوم، مشتمل بر سیاست‌های مکانی جلوگیری از جرم می‌باشد که عمدتاً در بریتانیا گسترش یافته است. هدف این نگرش، کاهش سطوح جرم و جنایت با کمک از میان بردن یا مسدود کردن فرصت‌های جرم و جنایت می‌باشد. این نگرش بر روی محیط و مکان جرم با گسترش اقدامات و کاهش فرصت‌های جنایی متمرکز می‌شود. علیرغم تفاوت‌هایی که میان این سه نگرش وجود دارد، نکته اشتراک میان آنها، تمرکز آنها بر روی محیطی است که جرم در آن اتفاق می‌افتد و بحث و استدلال در مورد طراحی و مدیریت این مکان‌ها به منظور جلوگیری از جرم می‌باشد.

در سال ۱۹۷۱ هنگامی که مقاله "پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیطی" (CPTED) را ری جفری<sup>۲۴</sup> برای اولین بار منتشر کرد، نقطه عطفی در ارتباط با بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای نابهنجار پدید آمد. زیرا این مقوله تا قبل از آن در حوزه مباحث جرم‌شناسی قرار می‌گرفت (Robinson, 1996:1). به طوری که در دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ شاهد ظهور "جغرافیای مختلف جرم"<sup>۲۵</sup> می‌باشیم که در پی کندوکاو اکولوژی اجتماعی جرم هستند و کانون تمرکز خود را بر روی موقعیت، فضا، مکان و قلمرو متمرکز ساخته‌اند (Pyle, 1974; Harres, 1974; Davidson, 1981).

متاوی<sup>۲۶</sup> رابینسون در سال ۱۹۹۶ مقاله‌ای در خصوص بررسی علل نفوذ نظریه جفری ارائه داد. وی در این مقاله ضمن بررسی ریشه‌های نظریه جفری، عکس‌العمل‌های متفاوت دولتمردان، معماران و شهرسازان، اشخاص حقوقی و دانشگاهی و مسئولان را به نظریه مزبور بررسی کرد. این عکس‌العمل‌ها، طی مدت بیست و پنج سال به مفهوم کلی نظریه‌ای با عنوان "پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیطی" تبدیل شد و سیر تکاملی یافت. در چارچوب این مجموعه نظریه، تلاش زیادی برای فهم رابطه شرایط محیطی و جرم به عمل آمد (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۹). این نگرش مشتمل بر طراحی و مدیریت محیط کالبدی به منظور کاهش فرصت‌های جرم، جنایت و بزهکاری می‌باشد. به علاوه این نگرش بر اساس این فرض استوار است که مجرمان و بزهکاران قبل از آنکه مرتکب جرم شوند، وارد یک فرآیند تصمیم‌سازی منطقی می‌شوند. در واقع مجموعه نظریه‌های پیشگیری از جرم با کمک طراحی محیطی، پیشنهاد روش‌شناسی برنامه‌ریزی و طراحی مجدد محیطی است که بر اساس آن، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس

جدول شماره ۱: ارتباطات بین فضای قابل دفاع و پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی

اصول فضای قابل دفاع (نیومن)	راهبردهای پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (کراو)
قلمرو/تعریف مرز	تعاریف لبه/خط مرزی از فضای کنترل شده
قلمرو/تعریف خط مرزی/کنترل دسترسی	مناطق انتقالی به طور واضح مشخص شده
نظارت/کنترل دسترسی	توجه هدایت شده به جمع کردن نواحی
سیما و محیط: پیدایش فعالیت	قراردادن فعالیت‌های امن در ناحیه‌های ناامن
سیما و محیط: پیدایش فعالیت	قراردادن فعالیت‌های ناامن در ناحیه‌های امن
تعریف خط مرزی/کنترل دسترسی	کاستن تعارضات کاربری با خط مرزهای طبیعی
هیچ	زمان بندی بهتر فضا
نظارت	افزودن درک نظارت طبیعی در فضاها با طراحی
هیچ	غلبه کردن بر فاصله و انزوا با ارتباطات

Source: Schneider and Tedkitchen, 2002: 101

بازساخت محیط‌های مسکونی شهرهایمان است، به گونه ای که آنها دوباره می‌توانند به محیط‌های سرزنده و قابل زیست تبدیل شوند و کنترل این شهرها نه به دست پلیس بلکه به دست اجتماع مشترک مردم انجام می‌پذیرد" (Newman, 1973: 3). وی در کتابش در سال ۱۹۷۲ با عنوان "فضای قابل دفاع"، رابطه بین میزان جرم و جنایت بسیار بالا و طراحی را بررسی کرده است. و در آن به این نتیجه رسیده که میزان جرم و جنایت در مکان‌ها و فضاهای منزوی شده ای که به شکل بسیار ضعیفی از بازرسی دقیق عمومی دور نگه داشته شده اند، در بالاترین حد است و در مکان‌هایی که میزان بسیار بالایی از نظارت محلی در آنها وجود دارد و احساس وحدت و همبستگی مردم زیاد است، جرم و جنایت بسیار پایین است (Newman, 1996). همچنین این نظریه معتقد است که طراحی می‌تواند هم در انتخاب مکان جرم و هم در ارتکاب جرم به تبهکار کمک کند و با اینکه وی را مخفی سازد. برای نیومن فضای قابل دفاع عبارت است از اصطلاحی جایگزین برای طیفی از سازوکارها، مرزهای نمادین و واقعی که مناطق نفوذ را تعریف کرده و فرصت‌های نظارت را بهبود می‌بخشند، و این دو با هم ترکیب می‌شوند تا از این راه محیط در کنترل ساکنانش قرار گیرد (Newman, 1973: 3). در مجموع می‌توان گفت، نیومن بر این باور است که همه برنامه‌های فضاهای قابل دفاع، یک هدف کلی را دنبال می‌کنند و آن اینکه بازسازی طرح‌های فیزیکی جوامع، برای ساکنان امکان کنترل اطراف خانه خود را فراهم می‌کند و این موضوع

از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (Atlas, 1999: 11). بدین ترتیب نظریه پیشگیری از جرم با طراحی محیط به طور معناداری از راهکارهایی که پلیس، دادگاه و نظام تربیتی دستگاه‌های قضایی به کار می‌گیرند، متفاوت است و در سالیان اخیر به عنوان دیدگاهی فیزیکی- اجتماعی در چارچوب جرم شناسی و برنامه ریزی شهری نمایان شده است. این دیدگاه همواره در معرض اصلاح و ارزیابی است و بر مبنای چهارراهبرد کلیدی مشتمل بر تملک قلمرو، نظارت طبیعی، حمایت فعالیت‌ها و کنترل دسترسی‌ها بنا نهاده شده است (Cozens, 2002: 132).

### نظریه " فضای قابل دفاع " نیومن

در سال ۱۹۷۲، اسکار نیومن نظریه " فضای قابل دفاع" را مطرح کرد. وی با تحلیل عوامل کالبدی و اجتماعی موثر در جرم (در بیش از ۱۰۰ پروژه ساختمانی شهر نیویورک) نتیجه گرفت که وجود رابطه میان اشکال مختلف طراحی کالبدی و الگوهای جرم قطعی است (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۳۰). نیومن عقایدش را درباره مراقبت و کاربرد محیط و حمایت از محیط کالبدی بر سلسله مراتبی که در بردارنده چهار منطقه (فضای عمومی، فضای نیمه عمومی، فضای خصوصی و فضای خصوصی) که حدود آنها با حصارهایی تعیین شده است، بنا نهاد (بنام ویولیس، ۱۳۷۹: ۴۴). پژوهش نیومن (۱۹۷۳) در واکنش به میزان بسیار بالای جرم، جنایت و تبهکاری در شهرهای امریکا صورت پذیرفت. نیومن بر این باور است که: " فضای قابل دفاع، ابزاری برای

خیابان، زمین‌های اطراف ساختمان، لابی‌ها و راهروهای درون آنها را در بر می‌گیرد (Newman, 1996:9).

### نظریه انتخاب منطقی<sup>۲۷</sup>

ریشه‌های نظری نگرش پیشگیری از جرم با طراحی و مدیریت محیط، از نظریه انتخاب عقلانی گرفته شده است. نظریه انتخاب عقلانی، تحلیل‌کننده رویه‌هایی است که به وسیله آن مجرمان و بزهکاران بالقوه اقدام به انتخاب اهدافشان می‌کنند. دیدگاه جدید انتخاب عقلانی بر روی فرایند تصمیم‌سازی متمرکز می‌شود که بر مبنای آن مجرمان و بزهکاران اقدام به تعیین مکان‌هایی می‌کنند تا سرقت‌هایشان را انجام دهند. معمولاً انگیزه‌های مجرمان برای انتخاب مکان و زمان جرم بر اساس هزینه‌ها و خطرهای در تقابل با پاداش‌ها و دستاوردها می‌باشد و در نهایت اقدام به گزینش آن تصمیمی می‌کنند که حداکثر سود و حداقل ضرر برای آنها در پی داشته باشد. در این راستا محیط به عنوان ابزاری مورد توجه قرار می‌گیرد که پیشاپیش به مجرمان کمک می‌کند تا مکانی مناسب برای انجام جرم خود انتخاب کنند. نظریه استنادار انتخاب طبیعی جرم بر مبنای پژوهش بیکر<sup>۲۸</sup> (۱۹۶۸) می‌باشد. "شخص زمانی مرتکب جرم می‌شود که مزایای انجام جرم بر مضراتش پیشی جوید" (Beker, 1968:172).

بنابراین نظریه انتخاب طبیعی جرم را به عنوان رویداد و اتفاقی در نظری می‌گیرد که وقوع زمانی آن هنگامی می‌باشد که مجرم پس از محاسبه نیازش به پول، دارایی‌های شخصی، ثروت محله یا اثر بخشی پلیس محلی اقدام به نقض قانون می‌کند (Ochsen, 2010:54).

### نظریه نابسامانی اجتماعی و جرم<sup>۲۹</sup>

بر طبق این دیدگاه، نابسامانی روزافزون اجتماعی در نتیجه افزایش بیش از حد جرایم می‌باشد. شاو و مک کی<sup>۳۰</sup> (۱۹۴۲) سه عامل اجتماعی را شناسایی کرده اند که سازمان اجتماعی را کاهش می‌دهند. این سه عامل مشتمل بر منزلت پایین اقتصادی، ناهمگنی قومی و نژادی و تحرک مسکونی می‌باشد. افزون بر این سامپسون و گراوز<sup>۳۱</sup> (۱۹۸۹) اختلال و نابسامانی خانوادگی و شهرنشینی را به عنوان دلایل نابسامانی اجتماعی بیان کرده اند. پژوهش‌های تجربی میت، هاگس و مک دووال<sup>۳۲</sup> (۱۹۹۱)،

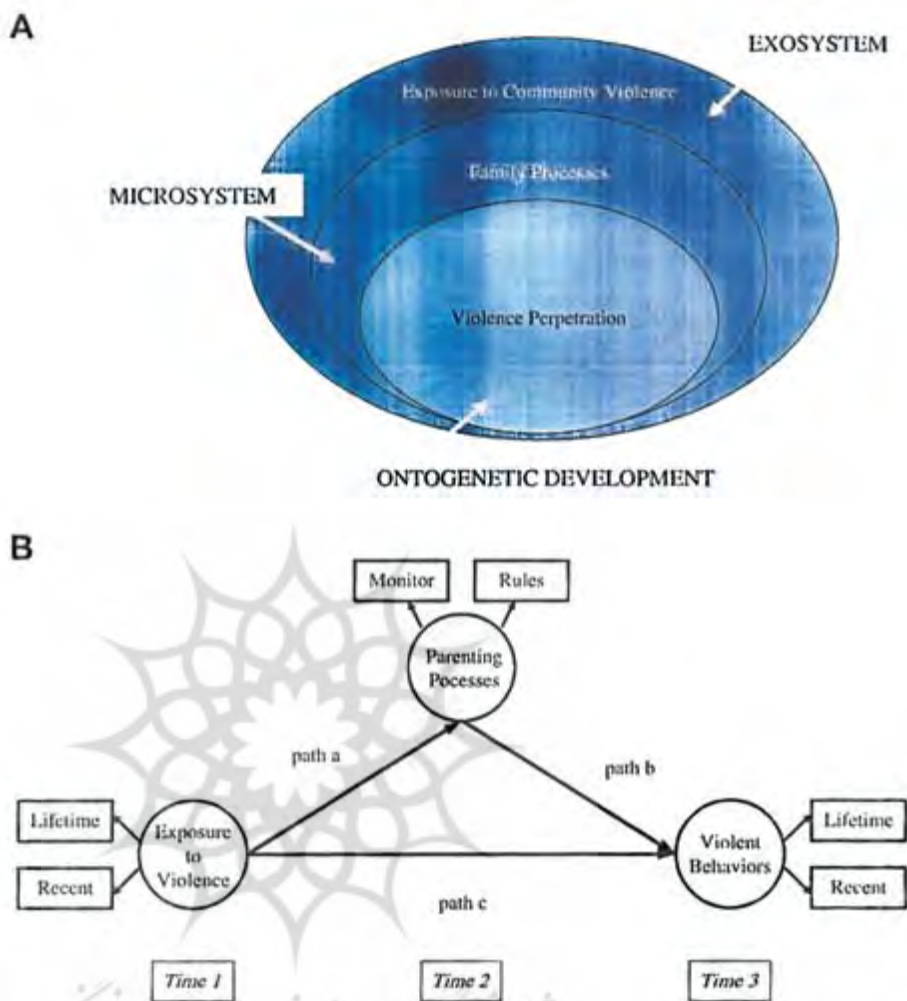
سامپسون (۱۹۹۷)، سامپسون و گراوز (۱۹۸۹) و وارنر و پیرس<sup>۳۳</sup> (۱۹۹۳) نظریه نابسامانی و جرم را تایید کرده اند (Ochsen, 2010:53).

### مدل اکولوژیکی - مناسباتی خشونت اجتماع

بچه‌ها و نوجوانانی که در محلات شهری فرسوده و نابسامان زندگی می‌کنند، به طور روز افزونی در معرض خشونت و آزار و اذیت قرار دارند. پژوهش‌های متعدد، پیوند مستمر و مستحکمی بین در معرض خشونت قرار دادن و سازگاری، برقرار کرده اند (Hammick et al., 2004; Ozer et al., 2004).

به عنوان نتیجه، پژوهشگران بر روی شناسایی عوامل حمایتی نظیر طرز رفتار و اقدام‌های والدین متمرکز شده اند که دارای تاثیر تعدیل‌کننده‌ای در سازگاری جوانان در رابطه با در معرض خشونت قرار گرفتن آنها دارند (Kliewer et al., 2004). میزان بالای در معرض خشونت قرار گرفتن جوانان در محله‌های فقیر و شناسایی خشونت به عنوان یکی از عمده ترین تهدیدهای سلامت عمومی، موجب این امر شده که نقش در معرض خشونت قرار گرفتن بر روی رفتارهای متخصصانه و خشونت آمیز در طول دوران نوجوانی مورد پژوهش قرار گیرد. گرچه محققان خانواده را به عنوان متغیر بسیار مهمی در این رابطه در نظر گرفته اند، اما حجم عظیمی از پژوهش‌ها بر روی تحلیل اثرات اصلی به جای توجه به تربیت بچه‌ها و فرایندهای خانوادگی به عنوان فرایندهای عملی شده اند که در طول زمان بر همدیگر تاثیر می‌گذارند. در این رابطه یکی از مهمترین مدل‌ها، مدل عملی - اکولوژیکی خشونت اجتماع است که کیچتی و لینچ آن را ارائه داده اند. قالب A در شکل ۱ نشان دهنده نقطه آغاز مدل عملی - اکولوژیکی خشونت اجتماع کیچتی و لینچ (۱۹۹۳) است. بر اساس این مدل تربیت اشخاص از مجموعه ای عوامل تاثیرمی‌پذیرد که مشتمل بر مواردی بدین قرارند: ارزش‌های اجتماعی که خشونت را تقویت می‌کنند (سیستم کلان)، ویژگی محله یا محیط‌های اجتماع که افراد را در معرض خشونت قرار می‌دهند (سیستم متوسط اندام) و محیط خانوادگی (سیستم خرد). بخش دوم این مدل مشتمل بر مناسبات و مرادفات بین این زمینه‌هاست که دارای خصیصه ای پویا و همواره در حال تغییر در طی دوران زندگی می‌باشد (Cicchetti and Aber, 1998). قالب B در شکل ۱ نمایانگر مدل مناسباتی - اکولوژیکی محدودشده خشونت اجتماع است که بر اساس آن فرایندهای

شکل شماره ۱: مدل مناسباتی-اکولوژیکی خشونت اجتماع: A، مدل مفهومی عمومی کیجیتی و لینچ: B در معرض خشونت قرار گرفتن (T۱)، فرایندهای تربیت خانوادگی (T۲) و رفتارهای خشونت آمیز (T۳).



یک مکان با میزان بالای جرم است. محدوده این مکان بخشی از شهر، یک محله کوچک و یا چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی ممکن است یک خانه یا مجتمع مسکونی باشد. تعریف دیگر این اصطلاح را معادل مکانهای کوچک با تعداد جرم زیاد قابل پیش بینی، حداقل در یک دوره زمانی یک ساله دانسته است (کلانتری: ۱۳۸۰: ۸۵). مرکز کاهش بزهکاری متعلق به وزارت کشور انگلستان، "کانونهای جرم خیز" را به شرح زیر تعریف کرده است: یک ناحیه جغرافیایی که در آن وقوع بزه از حد متوسط بالاتر است و یا ناحیه‌ای که وقوع بزهکاری در آن نسبت به توزیع جرم در کل ناحیه متمرکزتر است. مطابق این تعریف "کانونهای جرم خیز" محدوده‌های مشخص و معینی است که سهم زیادی از کل جرایم در کل محدوده مورد مطالعه را در خود جای داده است (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶، ۴).

تربیت خانوادگی، اثرات در معرض خشونت قرار گرفتن روی رفتارهای خشونت آمیز را متعادل می‌سازد. این مدل بر اساس سنتز پژوهشی است که سه عامل را به هم پیوند می‌دهد: (۱) در معرض خشونت اجتماع قرار گرفتن و رفتار خشونت آمیز. (۲) چگونه استرس از محیط اجتماعی گسترده تر، در شکل در معرض خشونت قرار گرفتن، می‌تواند فرایندهای تربیت خانوادگی به ویژه در محدوده محله‌های اقلیتی و بسیار فقیر را تضعیف سازد. (۳) اثر فرایندهای تربیت خانوادگی روی رفتار خشونت‌آمیز (Spano et al, 2009: 1322-1323).

### نظریه کانونهای جرم خیز<sup>۲۴</sup>

اصطلاح مکانهای جرم خیز یا کانونهای جرم خیز<sup>۲۵</sup> بیانگر

- پانوشنت:
- 1- Houston
  - 2- Philadelphia
  - 3- Detroit
  - 4- Dallas
  - 5- San Antonio
  - 6- Reducing Crime-Related Costs
  - 7- CJS
  - 8- Social Ecology
  - 9- Quetele
  - 10- Guerry
  - 11- Show
  - 12- Mckay
  - 13- Jacobs
  - 14- Environmental Criminology
  - 15- Angels
  - 16- Journey to crime
  - 17- white
  - 18- Tuner
  - 19- Broken windows Theory
  - 20- - George L.killing
  - 21- - James Q.wilson
  - 22- Coles
  - 23- Crime Prevention Throug Environmental Design (CPTED)
  - 24- C.Ray Jaffery
  - 25- Several geographies of crime
  - 26- Matthew
  - 27- Rational Choice theory
  - 28- Becker
  - 29- Social disorganization theory
  - 30- Shaw and Mckay
  - 31- Sampson and Groves
  - 32- Miethe, Hughes, and McDowall
  - 33- Warner and Pierce
  - 34- Hotspots, Hot crime spots, Crime Generators
  - ۳۵- اصطلاح Hotspot از علم زمین شناسی اقتباس شده است. به محل خروج ماگما و مواد مذاب آتشفشانی اطلاق می شود(کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۵).
  - 36- Hot dots
  - 37- Hot routes
  - 38- Hot areas
  - 39- Hot products / Hot objects
  - 40- Hot people
  - 41- Repeat victimization theories

منابع:

- ۱- پنا، روز و ویولیس، لوریجیو، پیشگیری از جرم و ساختار محیط، ترجمه رضا پرویزی، ماهنامه امنیت، سال چهارم، شماره یازدهم و دوازدهم، حوزه معاونت امنیت و انتظامی وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲- توکلی، مهدی، شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ۱۳۸۴.
- ۳- صالحی، اسماعیل، نقش شهرسازی (نظریه محیطی) در پیشگیری از رفتارهای نامنجان شهری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره



۴- کلانتری، محسن و توکلی، مهدی، شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال دوم، شماره دوم، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

۵- کلانتری، محسن، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان‌نامه دوره دکتری رشته جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محمدرضا رهنمایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

۶- کامران نیا، جلال، تحلیل الگوهای فضایی و آینده نگری جرم در شهر شیراز، مورد مطالعه محلات مرکزی شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران (۱۳۸۴-۱۳۸۵).

۷- ممتاز، فرید، انحرافات اجتماعی: نظریه ها و دیدگاه ها، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵.

۸- نجفی ایرندآبادی، علی حسین، جامعه شناسی جنایی (جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم سیاسی تهران، تدوین: زینت دارویی)، ۱۳۷۴.

۹- نجفی ایرندآبادی، علی حسین، جامعه شناسی جنایی (جزوه درسی دوره کارشناسی حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تدوین: محمدی، موسی زاده و عباسی)، ۱۳۸۷.

10-Atlas, Randall, Environmental Design that Prevents Crime, the construction specifier, Atlas Safety & Security Design. Santamonica, 1999.

11-Becker, G. S. Crime and punishment: An economic approach. Journal of Political, 1968.

12-Bottoms, A E and Wiles, P, Environmental criminology. In The Oxford Handbook of Criminology, (eds) M Maguire, R Moran and R Reiner. Clarendon Press, Oxford, 1997.

13-Cicchetti, D., & Aber, J. L., Contextualism and developmental psychopathology. Development and Psychopathology, 10, 137e141, 1998.

14-Cozens, PM, Vjuepoint Sustainable Urban Development and Crime Prevention Through Environmental Design for the British City. Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century, Cities, Vol. 19, No. 2, pp. 129-137, 2002.

15-Damer, S, Wine alley. The sociology of a dreadful enclosure. Sociological Review 22, 221-248, 1974.

16-Davidson, R N, Crime and Environment. St. Martin's Press, New



طی دو دهه اخیر در نگرش و سیاست‌های پیشگیرانه جرم شناسان برای مقابله با بزهکاری شهری، تغییرات مهمی به وقوع پیوسته است. مطابق این نگرش برای پیشگیری از جرم، علاوه بر "بزهکار" باید مکان وقوع بزه نیز مورد تأکید قرار گیرد تا با حذف فرصت‌های مجرمانه در محیط جغرافیایی، امکان به حداقل رساندن نرخ بزهکاری فراهم شود (Weisburd, 2004: 62). اصطلاحات فرعی دیگری نیز در ارتباط با کانون‌های جرم خیز ارائه شده است که عبارتند از:

#### ◆ نقاط جرم خیز یا نقاط داغ<sup>۳۶</sup>

به محدوده‌های مشخص و با ابعادی کوچکتر از مکان‌های جرم خیز اطلاق می‌شود. در واقع این واژه به تمرکز جرم در برخی مکان‌های شهری اشاره دارد و نشان دهنده آن است که در برخی نقاط مشخص (مثلاً یک مغازه یا یک مرکز فساد خانگی) به دفعات عمل مجرمانه تکرار می‌شود (توکلی، ۱۳۸۴: ۶۵).

#### ◆ مسیرهای جرم خیز یا مسیرهای داغ<sup>۳۷</sup>

به محدوده‌های وسیع‌تر از نقاط جرم خیز گفته می‌شود و دلالت بر تمرکز بزهکاری در طول یک خیابان یا مسیر عبور و مرور دارد (توکلی، ۱۳۸۴: ۶۵).

#### ◆ نواحی جرم خیز یا نواحی داغ<sup>۳۸</sup>

منظور تمرکز بزهکاری درون یک محدوده جغرافیایی شامل یک ناحیه یا بخش یا محله شهری است که وسعتی به مراتب بیش از نقاط و مسیرهای جرم خیز دارد (توکلی، ۱۳۸۴: ۶۵).

#### ◆ اموال یا اشیاء در معرض بزهکاری مکرر<sup>۳۹</sup>

به برخی کالاها یا اموالی اطلاق می‌شود که مطلوب

بزهکاران بوده و برای آنان جذابیت فراوان دارد و معمولاً این اموال یا اشیاء به طور مستمر هدف اعمال مجرمانه آنها قرار می‌گیرند؛ به عنوان مثال تلفن همراه یا ضبط خودرو از جمله این مواردند (توکلی، ۱۳۸۴: ۶۶).

#### ◆ مردم در معرض بزهکاری مداوم<sup>۴۰</sup>

به شهروندانی اطلاق می‌شود که به کرات در معرض اقدام‌های مجرمانه قرار می‌گیرند. ملاحظه می‌شود که دو اصطلاح اخیر ناظر بر مکان مشخص نبوده بلکه بر اشیاء یا افرادی دلالت دارد که به طور مداوم و مکرر هدف اعمال مجرمانه قرار می‌گیرند. در این مورد نه مفهوم جغرافیایی یا مکانی بلکه منظور نوعی تمرکز بزهکاری بر فرد یا شیء می‌باشد که قربانی بزه و اقدام مجرمانه بزهکاران می‌شود و به نظر می‌رسد با مفهوم کلی و تعریف جامع مکان‌های جرم خیز که در آن تمرکز جغرافیایی مد نظر می‌باشد، منافات دارد (توکلی، ۱۳۸۴: ۶۶).

### نظریه‌های کانون‌های جرم خیز

#### ۱- نظریه‌های مکانی

نظریه‌های مکانی به تشریح و تبیین این امر می‌پردازند که چرا رویدادهای جرم در مکان‌های ویژه ای اتفاق می‌افتند. آنها به جرایمی می‌پردازند که در پایین ترین سطوح تحلیل - مکان‌های ویژه- رخ می‌دهند و به مطالعه وقایع و پاسخ به این پرسش می‌پردازند که در چه مکان‌هایی دزدی و جرایم اتفاق می‌افتد و "در چه مکان‌هایی این پدیده رخ نمی‌دهد؟" پدیده جرم در این سطح به عنوان "نقاط" اتفاق می‌افتد، به گونه ای که واحدهای مناسب تحلیل، مشتمل بر آدرس‌ها، گوشه‌های خیابان و سایر مکان‌های کوچک می‌باشند که می‌توان آنها را روی نقشه‌ها به عنوان "نقطه" نمایش داد. اقدام‌های پلیس که آدرس‌های دقیق را مشخص می‌سازند، در این سطح بسیار دقیق است.

#### ۲- نظریه‌های خیابان

نظریه‌های خیابانی به جرایمی می‌پردازند که در سطوح به نسبت بالاتر به جای مکان‌های ویژه اتفاق می‌افتند؛ که مشتمل بر مکان‌های گسترده تر نظیر خیابان‌ها و بلوک‌ها می‌باشند. شناسایی مکان‌های فساد و فحشا نمونه ای از این نوع می‌باشد. تحلیل گران در این سطح به دنبال پاسخ

York. Economy, 76, 169-217, 1981.

17-Gottdiener M. and Budd Leslie, Key Concepts in urban studies, SAGE Publications Ltd, 2005.

18-Hammick, P. L., Richards, M. H., Luo, Z., Edlynn, E. S., & Roy, K. Social support factors as moderators of community violence exposure among inner-city African American young adolescents. Journal of Clinical and Adolescent Psychology, 33, 450e462, 2004.

19-Harries, K. D. The Geography of Crime and Justice. McGraw-Hill, New York, 1974.

20-Home Office, Digest 4: information on the criminal justice system in England and Wales. In Home Office Research, Development and Statistics Directorate, (eds) G C Barclay and CTavares. Crown Copyright, London, 1999.

21-Home Office, Criminal statistics, England and Wales. Government Statistical Service, London, 2000.

22-<http://www.ambiguous.org/robin/word/brokenwidows.html>

23-Kliewer, W., Parrish, K. A., Taylor, K. W., Jackson, K., Walker, J. M., & Shivy, V. A. Socialization of coping with community violence: influences of caregiver coaching, modeling, and family context. Child Development, 77, 605e623, 2006.

24-Lottier, S., Distribution of criminal offences in sectional regions. Journal of Criminal Law and Criminology 29, 329-344, 1938.

25-McCollister, Kathryn E., French, Michael T, Fang, Hai, The cost of crime to society: New crime-specific estimates for policy and program evaluation Drug and Alcohol Dependence 108 (2010) 98-109.

26-Ming-Jen Lin, Review More police, less crime: Evidence from US state data International Review of Law and Economics 29 (2009) 73-80.

27-Nasar, J L and Fisher, B, 'Hot spots' of fear and crime: a multi-method investigation. Journal of Environmental Psychology 13, 187-206, 1993.

28-Newman, O., Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design. New York: Macmillan, 1973.

هستند "کدام مناطق دارای باند تبهکارانند و کدام یک دارای چنین خصیصه ای نمی باشند؟" واحدهای مناسب تحلیل در این رابطه متفاوت بوده و مشتمل بر بلوک های عمودی، اجتماعات و نواحی آمارگیری هستند. شکل های دو بعدی نظیر بیضی، مستطیلی و سایر پلی گون ها برای نمایش پدیده جرم در این سطح روی نقشه ها نمایش داده می شوند. در حقیقت به دلیل اینکه مناطق به نوعی تمرکز موثر نیروهای گشت بسیار بزرگ می باشند، اقدام های پلیس در این سطح اصلاً دقیق نیستند (Sherman, 1997). با این وجود، با توجه به ویژگی های محله، اقدام های مناسب در این رابطه می تواند به شکل مشارکت دادن ساکنان در حرکت های جمعی و اشتراکی برضد بی نظمی و جرم باشد. اگر بزهکاران و تبهکاران در سراسر منطقه متحرک باشند، به جای اینکه در مکان های ویژه ای تمرکز یابند، تلاش ها برای نمایان ساختن آنها باید در این سطح اتفاق بیفتد.

به این پرسش هستند، "در کدام خیابان ها می توان نمود بیشتر فساد و فحشا را پیدا کرد و در کدام خیابان ها نمی توان به وجود آنها پی برد؟" در این راستا، واحدهای مناسب تحلیل می تواند اجزای خیابان ها، مسیرها و بخش هایی از بزرگراه هایی باشد که بتوان آنها را بر روی نقشه ها به عنوان خطوط منحنی، خمیده و مستقیم نمایش داد. در این رابطه اقدام های پلیس تا حدودی دقیق است؛ گر چه هرگز دقیق بودن آن مانند مکان های ویژه نمی باشد. گشت زدن های متمرکز در این سطح اتفاق می افتد.

### ۳- نظریه های محله ای

شماری از نظریه های جرم به دنبال تبیین تفاوت های محله ای هستند. در سطح بالاتر از مکان های ویژه یا خیابان، نظریه های محله ای به مناطق بزرگ می پردازند. تحلیل گران در این رابطه به دنبال پاسخ به این پرسش

جدول شماره ۲: تمرکزهای نقاط جرم خیز، شواهد، نظریه و علل

تمرکز	الگوی نقشه	بعد هندسی	نظریه ها	علل محتمل
مکان - در آدرس های ویژه، گوشه ها یا سایر مکان ها	تمرکز نقاط؛ مکان های اندکی جرم خیزند و بسیاری از مکان ها یا دارای جرم کمی هستند و یا اینکه اصلاً جرم در آنها اتفاق نمی افتد. مکان های تکراری جرم اغلب به صورت متمرکز می باشند.	صفر؛ تمرکز در نقاط	نظریه فعالیت های روزمره؛ مدیریت مکان	مدیریت رفتار در مکان ها
اغلب با مکان های جرم خیز تکراری تمرکز خود را از دست می دهند. اگر قربانیان در مکان ها، روی خیابان ها یا در مناطق متمرکز شده باشند، تنها در آن صورت روی نقشه نمایان هستند	تمرکز خطی به موازات خطوط مسافری، شمار اندکی از بلوک ها جرم خیزند و بسیاری از بلوک ها به صورت اندک، جرم در آنها اتفاق می افتد.	صفر، یک یا دو؛ تمرکز در نقاط، خطوط و مناطق	نظریه فعالیت های روزمره، سبک زندگی	مسیرهای قربانیان و انتخاب های سبک زندگی
خیابان - به موازات یک خیابان یا بلوک	تمرکز خطی به موازات خطوط مسافری، شمار اندکی از بلوک ها جرم خیزند و بسیاری از بلوک ها به صورت اندک، جرم در آنها اتفاق می افتد.	یک؛ تمرکز به موازات خطوط	نظریه تحقیق بزهکار	الگوهای حرکت بزهکار و تمرکزهای هدف
منطقه - مناطق محله ای	تمرکز چندین بلوک منطقه را تحت پوشش خود قرار می دهد	دو؛ تمرکز در مناطق	نظریه نابسامانی اجتماعی و نظریه های اکولوژیک مربوط به جرم؛ نظریه های فرصت	اثر بخشی جمعی در سطح پایینی است، افتراق اجتماعی، تمرکز جوانان، عدم سرمایه گذاری های اقتصادی، تمرکز اهداف جرم

اختلافات را باید در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های حاصل از آنها جستجو کرد که در صورت وجود یک بستر مکانی و زمانی مساعد، زمینه بروز جرم و تکرار آن را فراهم می‌کند و به مرور زمان یک محیط جغرافیایی را به یک کانون جرم خیز تبدیل می‌کند. مجرمان در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می‌کنند و مکانیابی را برای اعمال مجرمانه خود برمی‌گزینند که امنیت بیشتری برای ارتکاب بزه داشته باشند. از این رو ویژگیها و ساختار محیط به ویژه محیطهای شهری در بروز جرایم مختلف تأثیر بسزایی دارند و تغییر در این ساختار مکانی و شرایط محیطی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمان خواهد شد. بنابراین سه عامل مکان، زمان و انسان در شکل‌گیری اعمال مجرمانه نقش اساسی دارند، به گونه‌ای که تفاوت در مکان، زمان و خصوصیات رفتاری موجب می‌شود تا نوع و میزان بزهکاری در محدوده شهر، الگوهای فضایی و زمانی متفاوتی به خود بگیرد. بررسی مشخصات کالبدی، خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی این مکانها و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل - کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری بیش از پیش اهمیت یافته تا بدین وسیله امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاریهای شهری فراهم آید. در واقع می‌توان گفت برخی مشخصات کالبدی و اجتماعی در وقوع جرم مؤثر است. با تغییر ساختار فضا، اعم از نحوه نور پردازی، مابعد، وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمانها و شهرسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر، همچنین حضور و نظارت پلیس و به کارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین نظارتی در مقاطع زمانی خاصی بر یک مکان ویژه، می‌توان از وقوع بزهکاری پیشگیری کرد. نکته مهم دیگر اینکه امروزه برخورد صرف قضایی و انتظامی با پدیده جرم و مجرم چندان جایگاهی ندارد. این در حالی است که صاحبان راهکارهای خانواده‌گرا، جامعه‌گرا، بالینی و مسئله‌گرا را مبتنی بر شناسایی علل و عوامل ارتکاب جرم در بعد مسایل اجتماعی و محیطی مطرح می‌کنند.

#### ۴- سایر نظریه‌های مناطق بزرگ

سایر نظریه‌ها به دنبال تبیین تفاوت‌های الگوهای جرم در سطوح بسیار بالاتر اجتماع می‌باشند. برای نمونه، نظریه‌های جرم در بین شهرها و مناطق متفاوت هستند. در سطح شهر، اقدامهای پیشنهادی می‌تواند مشتمل بر تغییرات گسترده در سیاست‌های فراغتی، رفاهی، آموزشی، حمل و نقل و اقتصادی باشد. در سطوح منطقه‌ای، اقدامهای پیشنهادی بر ضد تمرکزهای جرم می‌تواند مشتمل بر سیاست‌های گسترده تر یا تغییرات اجتماعی باشد. با وجود اینکه، این‌ها تئوری‌های جالب و جذابی می‌باشند، اما برای آژانس‌های پلیس محلی کمتر مفیدند.

#### ۵- نظریه‌های تکرار بزه دیدگی<sup>۱</sup>

در نهایت نظریه‌های آزار و اذیت تکراری به این پرسش می‌پردازند که کدام قربانیان به طور مداوم مورد آزار قرار می‌گیرند. آنها می‌توانند در هر سه سطح کاربرد داشته باشند: نقاط، خطوط و پلی‌گون‌ها. با این وجود همه آزارهای تکراری را نمی‌توان بر روی نقشه نمایش داد. جدول شماره ۲ بحث تحلیل نقاط جرم خیز را سازماندهی و خلاصه کرده است. ستون اول به تشریح تمرکز جغرافیایی جرم در سطوح مختلف پرداخته و ستون دوم به توصیف الگوی اساسی اقدام کرده است که توسط نقاط جرم خیز در هر سطح تشکیل شده است. ستون سوم به فهرست کردن ابعاد هندسی همت گماشته که در نقشه‌های جرم به منظور به تصویر کشیدن هر کدام از نقاط جرم خیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظریه‌های مکانی بر روی نقشه‌هایی نمایش داده می‌شوند که بر خطوط تأکید می‌کنند و نظریه‌های منطقه نمایانگر استفاده از پلی‌گون‌ها روی نقشه‌ها می‌باشند. آنها می‌توانند بر روی نقشه‌ها به وسیله خطوط، نقاط و پلی‌گون‌ها به تصویر کشیده شوند. ستون سوم بر روی نقاط تأکید دارند.

#### نتیجه‌گیری

بزهکاری یکی از مشکلاتی است که گریبانگیر تمام جوامع بوده و هر یک از جوامع مقادیر زیادی از ثروت و سرمایه انسانی خود را صرف مبارزه با این پدیده اجتماعی کرده‌اند. در واقع بزهکاری پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیطهای اجتماعی مختلف به شکلهای متفاوتی دیده می‌شود. منشأ این

- 29-Newman, O., Creating Defensible Space. Washington, DC: U.S. Department of Housing and Urban Development, 1996.
- 30-Ochsen Carsten, Crime and labor market policy in Europe, International Review of Law and Economics 30 (2010) 52-61.
- 31-Pyle, G., The Spatial Dynamics of Crime. University of Chicago Press, Chicago, 1974.
- 32-Robinson, Matthew, The Theoretical of CPTED 25 years of Responses to C. Ray Jeffry, edited by: William Jaffer and Freda Adler, Appalachian State University-Department of Political Science and Criminal Justice, 1996.
- 33-Rostami Tabrizia, Lamya, Madanipour Ali, Crime and the city: Domestic burglary and the built environment in Tehran, Habitat International 30 (2006) 932-944.
- 34-Sherman, L.W., "Policing for Crime Prevention." In L.W. Sherman, D. Gottfredson, D. MacKenzie, J. Eck, P. Reuter, and S. Bushway (eds.), Preventing Crime: What Works, What Doesn't, What's Promising (pp. 8-1-8-58). Washington, DC: U.S. Department of Justice, National Institute of Justice, 1997.
- 35-Skogan, M., Maxfield, M., Reaction to Crime Project Evanston, II: Center for Urban Affairs, Northwest University, 1980.
- 36-Spano, Richard, Vazsonyi, Alexander T., Bolland, John, 2009, Does parenting mediate the effects of exposure to violence on violent behavior? An ecological transactional model of community violence Journal of Adolescence 32 (2009) 1321e1341.
- 37-Walter, E.V. (1972) Dreadful Enclosures: Detoxifying an Urban Myth. Unpublished paper cited in Damer, S. 1974.
- 38-Weisburd, D., Criminal Careers of Places: a Longitudinal Study, U.S. Department of Justice, National Institute of Justice, 2004.
- 39-White, C.R., The relation of felonies to environmental factors in Indianapolis. Social Forces 10, 498-509, 1932.